



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة

تاریخ: ۲۴ فروردین ۱۳۹۵

موضوع جزئی: مسئله هشتم - تعلق خمس به زیاده حکمیة در مال التجارة -

مصادف با: ۴ رجب ۱۴۳۷

ذیل مسئله هشتم: صورت عدم امکان بیع در همان سال

جلسه: ۸۶

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ذیل مسئله هشتم: صورت عدم امکان بیع در همان سال

از مسئله هشتم یک عبارتی در ذیل مسئله باقی مانده که مطلب چندانی ندارد و فقط برای اینکه این مسئله کامل بیان شده باشد عرض می‌کنیم.

امام (ره) در ذیل مسئله هشتم بعد از بیان تعلق خمس به زیاده حکمیة (یعنی ارتفاع قیمت سوقیه) در مال التجارة می‌فرماید: «و إن لم یمكن الا فی السنة التالیة تكون الزیادة من ارباح تلك السنة لا الماضیة علی الاظهر»؛ تا این جا گفته شد اگر ارتفاع قیمت حاصل شد در مال التجارة، چنانچه امکان بیع و اخذ قیمت آن در همین سال مالی وجود داشت، قهراً زیاده متعلق خمس است و سود همان سال حساب می‌شود که این بحث گذشت.

آنچه که در این عبارت ذیل مسئله فرمودند مربوط به جایی است که امکان بیع آن مال و اخذ قیمتش در همان سال وجود ندارد بلکه در سال آینده می‌تواند این را بفروشد؛ در این صورت می‌فرماید این زیاده و ارتفاع قیمت در همان سالی محاسبه می‌شود که امکان فروش و اخذ قیمت هست. «و لم یمكن» اگر بیع و اخذ قیمت ممکن نباشد مگر در سال آینده، «تكون الزیادة من ارباح تلك السنة»، زیاده از سود سال تالی و آینده محسوب می‌شود «لا الماضیة» نه سال گذشته اش «علی الاظهر». وجه این هم روشن است؛ چون اگر کسی تعلق خمس به ارتفاع قیمت در مال التجارة را مقید به امکان بیع و اخذ قیمت کند كما فعله الماتن، قهراً دیگر ملاک، افزایش قیمت به تنهایی نیست بلکه افزایش قیمت به شرط امکان بیع سبب وجوب خمس می‌شود. ولی اگر کسی مالی داشته باشد که امسال قیمتش افزایش پیدا کند ولی امکان فروش نباشد، قهراً کآن خمس به این مال متعلق نمی‌شود ولی اگر امکان فروش این مال سال آینده فراهم شود، آنوقت این افزایش متعلق خمس است چون شرطش فراهم شده و لذا دیگر سود و ربح مربوط به همان سال است. همان سالی که امکان فروش بیع باشد؛ اینکه فرمودند علی الاظهر بخاطر همان اختلافی است که در اصل این مبنا وجود دارد که آیا به طور کلی وجوب خمس در افزایش قیمت در مال التجارة متعلق به امکان بیع هست یا نیست؟ اگر مشروط به امکان بیع بود، اظهر همین است که ایشان فرموده که ما زمان تعلق خمس را همان زمانی بدانیم که امکان بیع باشد لذا سودش هم باید در همان سال در نظر گرفته شود نه سال گذشته.

اما بنا بر مبنای مختار دیگر موضوع منتفی است؛ چون ما قائل به ثبوت خمس شدید مطلقاً. اعم از اینکه امکان بیع باشد یا نباشد، ولو امکان فروش در همین سال نباشد، خمس ثابت است و سود هم در همان سال حساب می‌شود. این هم تتمه مسئله هشتم.

سؤال: اگر یک سال گذشت و افزایش قیمت حاصل شد و امکان بیع هم نبود و در سال بعد هم با آن قیمت مالش را نخریدند بلکه پایین‌تر خریداری شود. می‌توان گفت متعلق خمس است؟ این قابل قبول نیست.

استاد: یکی از مواردی که به این مبنا مربوط می‌شود و جای ابهام دارد این است که اگر این مال (این هم در مال التجاره هست و هم در غیر مال التجاره) افزایش قیمت پیدا کند و امکان فروش این مال نباشد و طبق نظر ما این افزایش قیمت متعلق خمس است اما سال آینده وقتی این مال را می‌فروشد در آن زمان قیمتش برمی‌گردد به نقطه اول یا حتی پایین‌تر می‌آید. آنوقت تکلیف چیست؟ در مبنایی که ما اختیار کردیم این شخص باید خمس دهد و ضامن است ولو زمانی که این مال را می‌فروشد، در آن مال انخفاض قیمت پیدا شده و قیمت مال پایین آمده، لازمه قول به ثبوت خمس مطلقاً این است که این شخص ضامن این خمس هست. توجه بفرمایید این مسئله تفاوت دارد با اینکه طی یکسال قیمت پایین بیاید. ممکن است در همان سال مالی این شخص، ابتدا قیمت مال التجاره افزایش پیدا کند ولی در ادامه قبل از پایان سال مالی، این دچار افت قیمت شود. اینجا همه گفته‌اند که این اصلاً متعلق خمس نیست؛ چون همانگونه که سابقاً گفتیم آنچه در تعلق خمس به افزایش قیمت ملاک است استقرار قیمت مرتفعه است. یعنی این قیمتی که بالا رفته باید مستقر شود. آنجا حکم معلوم است؛ چون در طی این سال مالی ولو برای مدتی قیمت این مال افزایش پیدا کرده اما نهایتاً در پایان این سال مالی اگر بخواهد مجموعه اموالش را محاسبه کند، این زیاده‌ای نصیبش نشده و تکلیف معلوم است. اما در فرضی که شما فرمودید قهراً اگر ما قائل به ثبوت خمس مطلقاً شویم چه امکان بیع باشد و چه نباشد، قهراً باید بگوییم این ضامن خمس است و باید بپردازد.

این مسئله نه تنها روی مبنای ما بلکه حتی بر مبنای امام (ره) بر یک فرض ثابت است. این را من عرض می‌کنم برای اینکه استبعاد نکنید. روی مبنای امام (ره) و دیگران که امکان بیع را برای وجوب خمس در افزایش قیمت شرط می‌دانند (مبنای صاحب جواهر و شیخ و بسیاری از بزرگان همین است که ظهور ربح را برای تعلق خمس کافی می‌دانند به شرط آنکه بیعش ممکن باشد در مقابل برخی مثل آقای بروجردی تبعاً لصاحب حدائق که قائل بودند ظهور ربح به تنهایی کافی نیست بلکه باید این ربح به دست تاجر قرار بگیرد یعنی مال را بفروشد و پولش را هم قبض کند). هم در بعض حالات همین مسئله پیش می‌آید. فرض کنید کسی مال التجاره داشته و افزایش قیمت پیدا کرده؛ در پایان سال مالی قیمت مال بالا است و افزایش داشته و امکان بیع هم بوده؛ قهراً طبق این مبنا این افزایش قیمت متعلق خمس است. حال اگر این مال را نفروخت و سال آینده این مال را فروخت اما به قیمت قبل از ارتفاع یا حتی پایین‌تر از قیمتی که از اول خریده بود، اینجا طبق مبنای امام (ره) و دیگران که امکان بیع را شرط می‌دانند، این شخص ضامن این خمس است. درست است که الان با قیمت کمتری فروخته اما سال گذشته آنوقتی که سود و زیان اموالش را محاسبه می‌کرد، مال التجاره دچار افزایش قیمت

شده بود. امکان بیع و اخذ قیمت هم بود اما به هر دلیل این مال را نفروخت، لذا خمس به گردش آمده و الان هر چند آن مال را به قیمت کمتر بفروشد موجب برائت ذمه او از خمسی که سال گذشته به گردن او آمده نمی‌شود.

چون اگر بحث ضرر و زیان باشد این مسئله حتی در موارد دیگر هم می‌تواند مطرح شود یعنی ممکن است کسی در یک سال مالی سود فراوان بدست آورد ولی در سال مالی بعد زیان فراوان نصیبش شود. این جا هر سالی برای خودش محاسبه می‌شود چون خمس در هر سال حساب می‌شود. کسی نمی‌تواند بگوید من سال گذشته اگر سود کردم ولی امسال چون زیان کردم پس نباید خمس بدهم. ملاک فقط محاسبه سود و زیان همان سال است. بلکه اگر سنة ملاک نبود بلکه یک دوره مثلاً محاسبه می‌شد ممکن بود این حرف را بزیم ولی وقتی سنة ملاک است هر سالی برای خودش مستقلاً محاسبه می‌شود. ما هم اگر می‌گوییم امسال که فایده عرفاً نصیب او شده باید خمس بدهد بر همین اساس است.

سؤال: این موجب عسر و حرج یا ضرر در برخی موارد میشود و لاضرر آن را نفی میکند.

استاد: آن مثالی که شما می‌زنید درست است و گاهی ممکن اینگونه پیش بیاید ولی این یک عنوان ثانوی است و ما داریم حکم اولی را بحث می‌کنیم. بنابراین منافات ندارد. بلکه یک جاهایی به عنوان ثانوی ممکن است اینگونه شود. بحث در حکم از حیث عنوان اولی است.

«الحمد لله رب العالمین»